

دو نمايشنامه:

آنتیگون (تندباد)

و

مازپرس

نوشته.

رضا کشانی

سرشناسه	:	کشانی، رضا، ۱۳۲۶ -	⊙
عنوان و نام پدیدآور	:	دو نمایشنامه: آنتیگون (تندباد) و بازپرس / نوشته رضا کشانی.	◆
مشخصات نشر	:	تهران: آواستن، ۱۳۹۷.	■
مشخصات ظاهری	:	۱۰۵ ص.؛ ۱۴×۲۱×۵/۵ س.م.	□
شابک	:	978-600-6848-45-7	⊗
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا	◆
موضوع	:	نمایشنامه فارسی — قرن ۱۴	□
۶ -	:	Persian drama -- 20th century	☾
رده بندی خره	:	PIR ۸۳۵۸ ۱۳۹۷ ۱۳۲۹ ش/	◆
رده بندی د	:	۶۲/۲۸۱۶	■
شماره کتابشنا.	:	۵۱۳۳۱۱۳	□



نام کتاب	□	دو نمایشنامه: آنتیگون و بازپرس
نویسنده	⊙	رضا کشانی
شابک	◆	978-600-6848-45-7
ناشر چاپ / صفافی	■	آواستن فرشیوه / روشنگ
نویت چاپ / تیراژ قیمت	□	اول / ۱۳۹۷ ————— ۵۰۰ نسخه ۱۲۰۰۰ تومان

تلفن و ایمیل ناشر : mail_avamatn@yahoo.com ۶۶۹۶۴۱۶۶

فهرست:

۵	پیش درآمد نمايشنامه آنتیگون
۱۳	نمایشنامه آنتیگون (مقدمه)
۵۵	بازپرس

پیش از آنکه...

در اینجا به تعدادی از معروف‌ترین نمایشنامه‌نویسان، شاعران و موسیقی‌دانانی که موضوع و داستان اسطوره‌ای آنتیگون را منبع الهام خود قرار داده‌اند اشاره می‌کنیم. آنتیگون اولین بار به وسیله سوفوکل یکی از سه تراژدی‌نویس بزرگ یونان باستان در قرن پنجم پیش از میلاد مسیح نوشته شده است. آنتیگون ادامه و پایان تراژدی خانواده ادیپ و یکی از تراژدی‌ها که نفس‌شده کادموس می‌باشد. حوادثی برای کادموس اتفاق می‌افتد که او مجبور می‌شود به فرمان آتنا، ازدهای مقدس را بکشد گرچه او هشت سال به خاطر این گناه خدایان را خدمت می‌کند اما او و دودمانش از جمله ادیپ و سپس آنتیگون دچار ترویش می‌گردند.

آنتیگون دختر معروف ادیپ و یکی از چهار فرزندی است که از ازدواج مادر و فرزند به وجود آمده است. پیش از این که ادیپ به دیبا باید بگریه به لایوس پدر ادیپ اطلاع می‌دهد که از او و ژوکاست پسری به دنیا می‌آید که او را می‌کشد و با مادرش ازدواج می‌کند.

از این جهت پس از تولد ادیپ، لایوس (پدرش) دور از چشم همسرش ژوکاست، دستور می‌دهد طفل را سر به نیست کنند پای طفل را سوراخ و او را به صخره‌ای می‌بندند تا طعمه لاشخورها شود. طفل به دست شبانی می‌افتد. شبانی

ادیپ را پیش پادشاه کورنیت می‌برد. وقتی ادیپ به حد رشد رسید از غیب‌گویی راجع به آینده‌ی خود اطلاع پیدا می‌کند. او که پادشاه کورنیت را پدر و همسرش را مادر خود تصور می‌کند برای این‌که این پیش‌گویی عملی نشود تصمیم می‌گیرد برای همیشه کورنیت را ترک کند، اما در راه به مردی ناشناس که همان پدرش لایوس است برخورد می‌کند و در اثر اختلافی او را می‌کشد و سپس به شهر «تب» وارد و به «مای بوالهول» (اسفنکس) - حیوانی به چهره زن، بدن شیر و بال‌های عقاب - را حل می‌کند و حاکم «تب» می‌گردد و بر اساس رسوم با ملکه تب، ژوکاست که در حقیقت مادرش بوده، ندانسته ازدواج می‌کند که ثمره این ازدواج دو پسر (اته‌اکل و پلی‌نیس) و دو دختر (آنتیگون و ایسمن) می‌باشد. ادیپ عاقبت در اثر بروز قحطی و خشکسالی به پیدا کرده تا بداند علت قحطی چیست به چگونگی سرنوشت شوم خود پی می‌برد و از فرط شرم و ناامیدی چشمان خود را کور کرده، از حکومت دست برداشته، ایسمن و یابان می‌شود. آنتیگون تا کلنوس، پدر تیره‌بخت خود را همراهی می‌کند و در همان‌جا است که این مرد تیره‌بخت زندگی اش به پایان می‌رسد. آنتیگون شاهد مرگ و نابودی پدر خویش است. اته‌اکل و پلی‌نیس، پسران ادیپ و برادران آنتیگون خواهر و پسر نیم‌روز خود را از تب رانندند. پدر آن‌ها را نفرین کرد که بر سر ربودن تاج پادشاهی چون یکدیگر را بریزند. اته‌اکل و پلی‌نیس که از نفرین پدر بیم داشتند، برای این‌که از گزند آن در امان بمانند قرار گذاشتند به نوبت بر «تب» حکومت کنند.

اته‌اکل برادر بزرگ‌تر، اول بر تخت نشست ولی همین که زمان موعود رسید از فرود آمدن سر باز زد. این خدعه و فریبی برای برادرش بود. پلی‌نیس خشمگین و ناراحت نزد پادشاه آرگوس رفته با سپاه آرگوس به فرماندهی هفت سردار دلاور به سرزمین تب تاخت. اته‌اکل به دفاع برخاست و نبرد طولانی شد. چون نتیجه

جنگ نامعلوم بود دو برادر بر آن شدند که با نبرد تن به تن به خونریزی پایان دهند و در همین نبرد بود که هر دو به دست یکدیگر کشته شدند. پس از آن حکومت به دست کرئون دایی آنتیگون می افتد و نخستین فرمانش این است که جسد اته اکل مدافع وطن را به خاک بسپارند ولی جسد پلی نیس را که به دستیاری بیگانه بر خاک وطن تاخته، دفن نکنند تا طعمه درندگان و لاشخوران گردد و هر کس به غیر از آن فرمان و مخالف آن رفتار کند او را به سختی مجازات کنند. عشق خواهر آنتیگون بر این فرمان زشت طغیان می کند و بر جسد بی جان برادر خاک می افشاند و آن آغاز تراژدی آنتیگون است. آنتیگون برادرش پلی نیس را مانند اته اکل با چنان سوز و غم می دوست می دارد که بیم مرگ نمی تواند راه بر طغیانش ببندد. تحمل ترس و تن بیجان برادری عزیز درخور طبع سرکش و عشق بیکران آنتیگون نیست و این ناز تراژدی آنتیگون است آنگاه کرئون پادشاه تب او را به سبب این نافرمانی عفو می کند. همون پسر کرئون چون نامزد و عاشق آنتیگون است در پای جناز دختر خودکشی می کند و پدر سرسخت خود را در غم مرگ خویش می گذارد. آنتیگون سوفوکل منبع الهام بسیاری از نمایشنامه نویسان، شاعران و موسیقی دانان بزرگ جهان قرار گرفته است که در اینجا به معروف ترین آن ها اشاره می کنیم و خطوط اصلی کار آن ها را به طور مختصر توضیح می دهیم. به غیر از سوفوکل (۴۹۵ - ۴۰۵ ق. م.) و سنکا (۴ ق. م.) تا ۶۵ میلادی) لویجی آلامانی، شاعر و نویسنده ایتالیایی در سال ۱۵۸۰ آنتیگون اثر زیبای سوفوکل را به زبان ایتالیایی اقتباس و اجرا نمود. در سال ۱۵۸۰ آنتیگون یا "ترحم" از «روبرگاریه» شاعر تراژدی نویس فرانسوی بر اساس تراژدی تعدیل شده «سنکا» نوشته و اجرا گردید با وجود این که آنتیگون نوشته روبرگاریه به صورت ساختگی و دکلاماسیون و بدون توجه به سه وحدت ارسطویی (یعنی، وحدت

موضوع، وحدت زمان و وحدت مکان) نوشته شده است اما در کارش غنای کامل به چشم می‌خورد و برتری کارش نسبت به معاصرانش مشهود و آشکار است. در سال ۱۶۳۸ آنتیگون نوشته ژان دوروترو، شاعر و درام‌نویس فرانسوی، پلی نیس را شخصیت اصلی نمایشنامه خود قرار می‌دهد و او را به شکل یک جبار خشن و دیو صفت مجسم می‌کند در حالی که بهترین شخصیت را به اته‌اکل می‌بخشد از این روی از استحکام اجتماع اضداد در نمایشنامه آنتیگون کاسته می‌شود و مبارزه آنتیگون حدیل می‌یابد که می‌توان گفت این ضعف نوشته «دوروترو» نسبت به آنتیگون سوفوکل است. آنتیگون «وتیوریو آلفیری» که در سال ۱۷۸۳ به چاپ رسید، در این اثر آنتیگون دختر قه‌مان و باراده ایست، اما خالی از ضعف زنانگی نمی‌باشد. آنتیگون دختری است که از ازدواج ادیپ و ژوکاست پدید می‌آید. وی نماینده و مظهر اندوه باشکوه خویش است او می‌بیند پدر نابینایش از او دور و از سرزمین اصلی‌اش تبعید می‌شود. او در سنگ‌های اته‌اکل و پلی نیس و در مرگ شوم آن‌ها حضور دارد و بالاخره در مراسم خوراکشی ژوکاست (مادرش) هم حاضر است اما همه این بدبختی‌ها وی را از پادشاهی دور نمی‌آورد و در یک صحنه اندوهناک می‌کوشد برای برادرش پلی نیس که پادشاه - پادشاه کرئون او را دشمن تمام خویشان و آشنایان می‌داند، گوری بسیار باشکوه برپا سازد تا سمیم به کاری می‌گیرد که ممنوع اعلام شده است؛ دفن کردن جسد پلی نیس بر سر این کار ایستاده است. آنتیگون نابود خواهد شد او در اندیشه مرگ است که انتظار او را می‌کشد و همه تراژدی در این اراده نهفته است. اراده اندوهناک مرگی که روح پرهیجان او را آرام می‌کند.

عشق «همون»، پسر نجیب کرئون به آنتیگون سبب می‌شود که به خاطرش بر ضد پدر بشورد و میله‌ای را به سوی پدر پرتاب می‌کند. این عمل علاوه بر عصیان

علیه پدر عصیان علیه خویش هم هست، تا آنجا که دست به خودکشی هم می زند. هرچند عوامل ملودرام به خصوص در شخصیت‌های کرئون و همون اثر را سست و ضعیف جلوه می‌دهد، اما این اثر یکی از آثار فوق‌العاده شاعرانه‌ای است که از آلفیری بر جای مانده است. و اما دیگر کسانی که آنتیگون را باز نوشته‌اند: یوهان آدلف هاس، در سال ۱۷۲۳ آنتیگونی نوشته که البته این بهترین اثر او نمی باشد. رسیمرن بلانش، نویسنده فرانسوی که در سال ۱۸۱۳ آنتیگون را به صورت شعر منرر سمبلیک نوشته است. آنتیگون ژان آنوی که شهرت جهانی دارد و به اکثر زبان‌های دنیا ترجمه و اجرا شده است، و تاکنون توسط کارگردانان خوب کشورمان هم به صورت مخاف به اجرا درآمده است. آنتیگون ژان آنوی اولین بار در سال ۱۹۴۴ در زمانی که هنوز ملت فرانسه آزادی خود را به دست نیاورده بود اجرا شد. آنتیگون برای ملت فرانسه نمونه جدال به خاطر آزادی در برابر بردگی بود.

آنتیگون آنوی این مسئله را طرح می‌کند قصه همان قصه سوفوکل است، ولی برای آنوی، دوره کودکی و آغاز جوانی اهمیت زیادی دارد آنتیگون دختری است که هنوز خود را کوچک احساس می‌کند، پیوسته به دوران کودکی خویش در برابر دنیای بزرگ‌ترها بازمی‌گردد و در اینجا است که تعاقب بین آنتیگون آنوی و آنتیگون سوفوکل نمایان می‌گردد. آنتیگون سوفوکل مغرور و صریح‌الخط است. آنتیگون آنوی هم همین خصوصیات را دارا است، اما لجباز و یک‌دنده هم هست. آنتیگون سوفوکل چشم به آینده دوخته است، اما آنتیگون آنوی به دوران کودکی برمی‌گردد.

قلمرو کودکان یا بهتر بگوییم جوانان در نمایشنامه آنوی، جانشین قلم‌روی خدایان آنتیگون سوفوکل می‌شود و با وجودی که آنوی ظاهراً در داستانی که از

سوفوکل به عاریت گرفته هیچ گونه تغییری نداده، اما در واقع دید خاص خود را از دنیا در قالب تراژدی یونانی عرضه کرده است، آنوی جامه نویی به اندام افسانه باستانی بریده و مسائلی که فکر انسان قرن حاضر را به خود مشغول می‌دارد را هنرمندانه در آن گنجانده است.

موسیقی‌دانانی که این اثر را منبع الهام قرار داده‌اند عبارتند از: توماس تراثا آهنگساز ایتالیایی در سال ۱۷۷۲ و نیکلا آنتونیونی زینگارلی آهنگساز ایتالیایی در سال ۱۷۹۰ و پیترفون ویتتر و کامیل سن سانس کمپوزیتورهای فرانسوی و فلیکس مندلسون کمپوزیتور آلمانی و آرتور هونگر آهنگساز فرانسوی و در آخر باید از اپرای آنتیگون اثر کارل ارف که در سال ۱۹۴۹ نوشته شده است نام ببریم. در این جا به چند نمایشنامه دیگر تحت نام آنتیگون اشاره می‌کنیم: آنتیگون نوشته هازن کلور که بین سال‌های جنگ جهانی اول یعنی از سال ۱۹۱۷ نوشتن آن را آغاز و پس از جنگ آن را به پایان رسانیده است. آنتیگون هازن کلور در دفاع از آزادی و شئون انسانی نوشته و در تئاتر «ماکس راینهارت» با آن سیاهی لشکر عظیم به حالت سیرک اجرا شده است نمایشنامه‌ای که در شعرهای آزاد که گاهی دارای قافیه نیز بوده، بهره برده است.

یکی از مشهورترین اشخاصی که آنتیگون را بازنویشته، برشت، شاعر، نمایشنامه‌نویس و فیلسوف آلمانی است آنتیگونی که برشت رساله دو سومش همان آنتیگون سوفوکل ترجمه هولدرلین، شاعر آلمانی است با این تفاوت که برشت تغییراتی در آن داده، از جمله آن را به صورت شعر سروده است. احساس و تصویرها و حتی کلمات با ترجمه هولدرلین متفاوت نیست ولی راه و روش برشت در آن به خوبی به چشم می‌خورد. مهم‌ترین تغییری که جلب توجه می‌کند نتیجه نمایشنامه و پرولوجی است که برلین را در سال ۱۹۴۵ مجسم می‌کند. دو

خواهر را نشان می‌دهد که برادرشان به دست لشکر آلمان کشته و به دار آویخته شده است، آن‌ها باید جان خود را به خطر انداخته، بدون این که به وسیله اس‌اس‌ها دیده شوند جسد برادر را دفن کنند برشت در این اثر، کرئون را شخصی حیوان‌صفت و متجاوز معرفی می‌کند کسی که به آرگوس به خاطر سنگ‌آهن حمله کرده‌است. اعتراض و تمرد آنتیگون به جنگی که سبب مرگ برادرش شده به قدری زیاد است که علیه سیاست جنگ‌طلبی دایی‌اش کرئون می‌شورد. در این جا نه فقط آنتیگون و همون می‌میرند بلکه سرانجام با کمال تعجب، پیکی خبر می‌دهد که آرگوس دچار دگرگونی شده است و مگارنوس حاکم آرگوس مرده و فرزندش به حرمت سیده است، کسی که کرئون از او به شدت می‌ترسد و حکومت او را برای تسخیر کرئون می‌داند زیرا هر لحظه ممکن است به تب حمله آورده و آن را تسخیر و کرئون را نابود کند. برتولت برشت این نمایشنامه را با بازیگری هلن وایگل، همسرش در نقش آنتیگون و هانس گوگلر در نقش کرئون با صحنه‌آرایی دوست و همکارش «نهر» در فور ۱۹۴۸ به روی صحنه آورد. برشت در این دگرگونی و بازنوشتن آنتیگون، آن را می‌خواهد بگوید که جبر وجود ندارد و تعیین‌کننده سرنوشت انسان، خود انسان است، نه حادثه یا اتفاق یا عوامل دیگر...

آنتیگون ژان کوکتو نویسنده، شاعر و نقاش فرانسوی (۱۸۹۶-۱۹۶۳) و بالاخره در آخر باید از آنتیگون این حقیر (نگارنده) که در فضای ایران سال ۱۳۴۸ در هفت صحنه، هفت بازیگر و هفت وادی... نوشته شده است آنتیگون با نگرش و اندیشه‌ها و کالبد برادرش یکی و با پیروزی مرگ را با آغوش باز می‌پذیرد. فرار مغزها و مبارزه با بی‌عدالتی و... از اهداف این نمایشنامه است.

آنتیگون تنها یک داستان یا موضوع افسانه‌ای نیست که تعلق به یک کشور در زمان و مکانی خاص داشته باشد بلکه نیروی است مخالف نابخردی، ناسپاسی و بردگی و استبداد، صحبت از مرگ و زندگی جدالی است ابدی، آنتیگون برای ما فریادی است برعلیه زورگویی و خودکامگی، نشانه‌ای است از اعتراض به قراردادهای ساختگی و پوشالی.

تراژدی آنتیگون موضوعی است قابل لمس برای تمامی زمان‌ها به‌ویژه در این دوره که دنیا با تضادهای گوناگون درگیر است. قصه آنتیگون قصه‌ای است که هرگز کهنه نمی‌شود آینه‌ای است جاودانی و اعتراضی است پایان‌ناپذیر.